

کشف حکمت اتفاقات

رابرت اچ. هوپک | ترجمه ساره سرگلزایی



انتشارات بنیاد فرهنگ زندگی

فهرست مطالب

۱	مقدمه
	داستان‌های زندگی ما
۱	ارتباطاتی که ما به وجود می‌آوریم
۱۹	فصل اول چه موقع همزمانی‌ها صرفاً همزمانی نیستند؟
۱۹	تعریف همزمانی
۲۸	اگر من این رویداد را سبب نشده‌ام، پس علت آن چیست؟
۲۸	غیرعلی بودن و ایگوی ما
	همزمانی و بی‌اعتمادی امروزی به واقعیت احساسی:
۳۶	بیندیشید، احساس نکنید
	اگر من از آن آگاه نیستم، پس چگونه رخ می‌دهد؟
۴۱	همزمانی و نمادهای کهن‌الگویی ناخودآگاه جمعی
۴۹	همزمانی و مراحل گذار زندگی
۵۵	چرا حالا؟ دلیل علاقه به مفهوم همزمانی
۵۹	فصل دوم همچون صاعقه
۵۹	همزمانی و داستان‌های عاشقانه ما
	چرا با افراد خاصی آشنا می‌شویم؟
۶۱	واکنش‌های ما به همزمانی در عشق
	یک داستان خوب، دوستان خوب و استثناهای
۶۴	فراوان: اتفاقات معنادار در روابط دوستی.

۱۸۱	فصل ششم هر داستانی آغازی دارد و پایانی
۱۸۱	همزمانی، زندگی و مرگ
۱۸۳	در زمان مقرر: بارداری، تولد و همزمانی
۱۹۵	چرا چنین فرزندان داریم؟ درس‌های همزمانی
۲۰۱	مرگ و ورای آن: همزمانی و واپسین گذار
۲۱۰	همزمانی و استمرار زندگی: هنگامی که پایان، پایان نیست واکنش‌های ما به فاجعه و مصیبت:
۲۱۵	یافتن معنایی که در رنج کشیدن است
۲۲۰	تولد دوباره و چرخه زندگی
۲۲۵	نتیجه‌گیری
۲۲۷	مراجع

۷۳	فصل سوم به دست آوردن و خرج کردن
۷۳	همزمانی و زندگی شغلی ما
۷۶	آیا ما کار را می‌یابیم یا کار، ما را می‌یابد؟
۸۷	ما شغل مان را به دست می‌آوریم یا شغل مان ما را به دست می‌آورد؟ از ناکجا آباد: داستان همزمانی‌هایی
۹۵	که در شغل مان به ما کمک می‌کنند
۱۰۳	همزمانی و رها کردن شغل اسطوره موفقیت و شکست:
۱۱۰	هنگامی که دری بسته شود، پنجره‌ای باز می‌شود چرا ما کار می‌کنیم؟
۱۱۸	اتفاقات معنادار در نحوه امرار معاش

۱۲۳	فصل چهارم داستانی درباره درون
۱۲۳	همزمانی و دنیای رؤیاهای ما
	آیا رؤیاهای نبوی، همزمانی محسوب می‌شوند؟
	آیا رؤیاهای همزمانی، آینده را پیش‌بینی می‌کنند؟
۱۲۸	آیا رؤیاهای واسطه یا فراحسی، نبوی هستند؟
۱۳۶	نمادهای رؤیا و رویدادهای همزمانی
۱۴۲	رؤیاهای «فراحسی»: فراتر از دانسته‌های ما
۱۵۳	من می‌توانم رؤیا ببینم، مگر نه؟ پرداختن به رؤیاها

۱۵۷	فصل پنجم ارتباط با نویسنده
۱۵۷	همزمانی و زندگی معنوی ما
۱۶۰	چگونه با استاد معنوی‌ام ملاقات کردم هنگامی که دنیاها موازی به یکدیگر برخورد می‌کنند:
۱۶۵	رویدادهای همزمانی و تجارب اسرارآمیز
۱۷۹	پیشگویی‌ها: اقبال هدفمند و اتفاق معنادار

شگفت آور هر کدام از داستان‌های این کتاب درباره رویدادهای همزمان مهیج و جذاب است، بلکه بررسی هوشمندانه هویکس درباره اصول و قواعد پشت این رویدادهای ظاهراً تصادفی، راهنمای بسیار مفیدی برای خوانندگان این کتاب است تا این قواعد را درک و حتی همزمانی‌ها را به سوی خودشان جذب کنند.»

کارول آدرین

یکی از نویسندگان کتاب پیشگویی سلسلین - راهنمایی تجربی

«با وجودی که پدیده همزمانی نقش عمده‌ای در گروه‌های روان‌شناختی و معنوی داشته است، اما تردید شک‌گرایان همچنان باقی است. تعابیر جالب و قابل درک هویکس از رویدادهای همزمان بسیاری که در زندگی واقعی وجود دارند باعث می‌شود شک‌گرایان به سختی بتوانند تردیدشان را از این پدیده حفظ کنند.»

هفته‌نامه پابلیشرز

مقدمه

داستان‌های زندگی ما ارتباطاتی که ما به وجود می‌آوریم

بعضی‌ها این رمان را به دلیل اینکه رویدادهای همزمان و اسرارآمیزی سیر وقایع آن را تعیین می‌کنند و به آن جذابیت می‌بخشند، سرزنش می‌کنند... اما در واقع آن افرادی که چنین همزمانی‌هایی را در زندگی روزمره‌شان نادیده می‌گیرند، مستحق سرزنش هستند. چون آن‌ها خود را از یک زندگی زیبا بی‌بهره می‌سازند.

میلان کوندر، سبکی تحمل‌ناپذیر هستی^۱

خاستگاه این کتاب، پرسشی یگانه و ساده است که پس از مشاهده رؤیایی کاملاً منحصر به فرد و نادر از خودم پرسیدم. در این رؤیا در داستانی که خودم در حال نوشتنش بودم گیر کرده بودم و نمی‌توانستم شخصیت‌های داستانم را متقاعد کردم که من نویسنده‌شان هستم و واقعاً به آن داستان تعلق ندارم. در حالی که هم احساس درماندگی می‌کردم که نمی‌توانم از داستان خودم

۱. این کتاب به فارسی و تحت عنوان «بار هستی» ترجمه شده است. - م.

فصل اول

چه موقع همزمانی‌ها صرفاً همزمانی نیستند؟

تعریف همزمانی

کارل گوستاو یونگ، که کتابش با عنوان همزمانی: اصل ارتباط غیرعلی^۱ در سال ۱۹۵۲ منتشر شد، اصطلاح «همزمانی» را ابداع کرد و آن را وارد ادبیات روان‌شناختی کرد. پس از آن به سرعت فرهنگ عمومی این اصطلاح را پذیرفت. همانند اندیشه‌های بسیاری که آتش در خرمن تصورات عموم می‌اندازند، اندیشه یونگ درباره همزمانی‌های معنادار نه جدید بود و نه منحصر به فرد، اما به لطف یونگ رویکرد او به رویدادهای همزمان ما را قادر کرد که آن‌ها را به وضوح و به شکلی مفید مشاهده کنیم.

پدر یونگ یک کشیش پروتستان بود و مادر او اگر نگوییم روان‌پریش بود، دارای استعدادهای خاص روحی بود. یونگ مسیری را در زندگی دنبال کرد که برای پسر یک کشیش، عادی بود. یونگ عمیقاً مذهبی بود و با وجود این هیچ‌گاه از یک نهاد مذهبی پیروی نکرد و عقاید جزئی مذهبی و معنوی را که مشروط به پذیرش نهادهای خاص بود، مکرراً و به وضوح رد می‌کرد. او حرفه روان‌پزشکی را انتخاب کرد و همان‌طور که در اتوبیوگرافی اش با عنوان

1. Synchronicity: An Acausal Connecting Principle

روان‌تحلیلی فروید، چنین رویدادهایی را نتیجه فرایندهای ناخودآگاه و تعارض‌ها دانست و این نگاه ماشینی و مکانیکی به روان‌شناسی را به چالش طلبید، یونگ به این تفکر جدید علاقمند شد. اما در نهایت و پس از آنکه درباره نقش تمایلات جنسی و ماهیت ناخودآگاه با فروید دچار اختلاف نظر شد، دوباره خود را منزوی و تنها یافت؛ آن موقع، روان‌تحلیل‌گری فرویدی در اروپا و ایالات متحده طرفداران زیادی پیدا کرده بود.

حتی امروزه هم عدم‌درک صحیح علاقه یونگ به پدیده‌هایی مانند همزمانی، باعث شده است که بسیاری از افراد دیدگاهی تحقیرآمیز نسبت به کارهای یونگ داشته باشند و معتقد باشند که او علاقه‌اش به مباحث عرفانی - که نشأت گرفته از ذهن‌گرایی و تفنن‌طلبی‌اش بود - پشت روان‌شناسی پنهان کرده است؛ چنین دیدگاه‌هایی در پی بی‌ارزش ساختن کارهای یونگ هستند. آنچه که معمولاً درک نمی‌شود این است که یونگ هرگز نگاهی ساده‌انگارانه و ساده‌لوحانه به پدیده‌هایی مانند ارواح، طالع‌بینی و همزمانی نداشت، بلکه آن‌ها را تا حد ممکن از دیدگاهی عینی و منطقی بررسی می‌کرد. هدف او از مطالعه این رویدادها همیشه پاسخ دادن به این سؤال بود: «حالات روان‌شناختی خودآگاه و ناخودآگاه که بر این تجارب بیرونی، فراموش‌نشده‌ی و تحول‌آفرین تأثیر می‌گذارند، چه هستند؟» اما یونگ سعی داشت نسبت به این وقایع هیچ‌گونه پیش‌داوری نداشته باشد. او نه مانند یک گروه نسبت به این وقایع نگاهی استهزاآمیز داشت و نه مانند گروهی دیگر تمام گزارش‌های عامیانه مربوط به این وقایع را حقیقت می‌پندارد. او بدون اینکه این رویدادها را پیش‌داوری کند و آن‌ها را مهم‌بلداند یا اینکه بی‌درنگ تصور کند عینی‌ترین راه درک این رویدادها پذیرش همه حقیقت آن‌هاست، سعی می‌کرد آن‌ها را بررسی کند.

در دوره‌ای که برای نگارش این کتاب به تحقیق پرداختم، دریافتم که افراد زیادی مفهوم همزمانی را نمی‌دانند. بنابراین شاید بهتر باشد این کتاب را با تعریفی ساده از مفهومی آغاز کنم که یونگ آن را ابداع کرد، یعنی «همزمانی

خاطرات، رؤیاها، اندیشه‌ها^۱ توصیف کرده است بخش زیادی از این انتخاب تحت تأثیر بحران ایمانی بود که برای پدرش ایجاد شد. یونگ با این پیشینه خانوادگی‌اش، سال‌های طولانی زندگی حرفه‌ایش را صرف این کرد که با استفاده از ابزارهای روان‌شناسی نوین به بررسی آن چیزی بپردازد که هرآکلیتوس «ریسمان‌های روح» می‌نامید. او پیوسته از روش‌های علمی برای بررسی پدیده‌های به اصطلاح «غیرمنطقی» برای روشن کردن معنای روان‌شناختی و چگونگی عملکرد چنین تجاربی در زندگی بشر استفاده کرد. این تجارب شامل تجارب فوق‌طبیعی، ادراک فراحسی، مشاهده بشقاب‌پرنده‌ها در آسمان^۲، حرکت دادن اشیا از طریق ذهن و مانند آن‌ها بود. مثلاً عنوان پایان‌نامه دکترای او «درباره روان‌شناسی پدیده‌های به اصطلاح اسرارآمیز» بود. او در پایان‌نامه‌اش کوشید تا توضیحی منطقی و روان‌شناختی برای توانایی‌های زنی که در جلسات احضار ارواح نقش واسطه دنیای ارواح را بازی می‌کرد و به خلسه می‌رفت و رفتارهای خارج از کنترل انجام می‌داد و توانایی حرکت دادن اجسام بدون لمس آن‌ها را داشت، ارائه دهد.

یونگ برای ارائه توضیحی منطقی از رویدادهایی که بسیاری از افراد آن‌ها را خیالی، بی‌معنا یا حتی بدتر دانستند (و این‌گونه آن‌ها را بی‌ارزش جلوه می‌دادند)، از روش‌های علمی استفاده می‌کرد. اما جامعه روان‌شناسی آن زمان، این کار یونگ را حماقت می‌دانستند و معتقد بودند که یونگ غیرعادی است. در آن زمان، تحقیق در زمینه روان‌شناسی علمی فقط پیرامون مباحث رفتاری و شناختی بود (و هنوز هم هست). هنگامی که فرضیه‌های

۱. این کتاب توسط خانم پروین فرامرزی به فارسی ترجمه شده است. - م.

۲. یونگ به مسئله بشقاب‌های پرنده، به عنوان یکی از پدیده‌های عصر حاضر می‌پردازد. آنچه برای او اهمیت دارد، جنبه روانی موضوع است. یونگ در پژوهشی بنیادی در خصوص بشقاب‌های پرنده (که ترجمه آن به قلم جلال ستاری و با نام اسطوره‌ای نو، نشانه‌هایی در آسمان منتشر شده است) یادآور می‌شود که ظهور و گسترش این پدیده به معنی بروز حادثه‌ای روانی در ضمیر ناخودآگاه انسان است که ممکن است نشان از گونه‌ای آشفتگی روانی اجتماعی داشته باشد. - م.